



پلی تکنیک
۷ خرداد ۱۳۸۶



"میترا چوپانزاده"
دانشجوی مهندسی شیمی پلی تکنیک



پلی تکنیک
۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۶

اوین دانشجو می پذیرد!

چند روز پیش بود که دانشجویان مبارز پلی تکنیک در اعتراض به دستگیری تعدادی از یارانشان، علیرغم تاخت و تاز باندهای سیاه و دسته جات چماقدار و ابسته به رژیم، در صحن دانشگاه امیرکبیر با جسارت دست به اعتراض و تحصن و اعتصاب غذا زدند. همانند میلیونها هموطن دردمندم، با تحسین و اشتیاق اخبار حرکت دلیرانه دانشجویان پلی تکنیک تهران را از طریق رسانه های اپوزیسیون دنبال میکردم. گوشه ای از خبر چنین بود:

"دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک امروز در اعتراض به ادامه بازداشت ۷ تن از دانشجویان این دانشگاه دست به اعتصاب غذا زدند... در کنار هر ظرف غذا عکسی از دانشجویان بازداشتی و جمله هایی همچون «هفت ستاره در اوین»، «دانشگاه اوین»، «همکلاسی هایمان را آزاد کنید» و «احضارهای فله ای را متوقف کنید» به چشم می خورد..."

در حاشیه اخبار گفتاری و نوشتاری از جوشش و خروش دانشجویان در سنگر آزادی، تصاویر دیدنی و صحنه های ویدئویی کوتاهی نیز از آن خیزش شجاعانه منتشر و منعکس میشد که یک تصویر و صحنه آن برایم واقعاً چشمگیر بود. روی یک پوستر ساده و سفید این نوشته دست نویس به چشم می خورد: **"اوین دانشجو می پذیرد."**

همین سه کلمه مثل برق و باد مرا بر بال خاطراتم به ۲۵ سال قبل برد. سالهای ۶۰ - ۶۱ بود و دانشگاهها و تمامی مراکز آموزش عالی در سراسر ایران، بدنبال توطئه "انقلاب فرهنگی" مدل خمینی، تعطیل و خالی از دانشجو شده بود. در عوض دانشجویان بی پناه را فوج فوج راهی اوین و دیگر زندانهای کشور میکردند. **براستی "اوین" از فعالترین مراکز جذب دانشجویان مبارز و مترقی و آزادیخواه شده بود.**

اتفاقاً همان ایام لاجوردی جلاد در مقام دادستان انقلاب تهران، برای تجلیل از همدست به هلاکت رسیده اش "محمد کجویی" رئیس سابق اوین، با نصب یک تابلوی بزرگ، زندان اوین را به "دانشگاه محمد" ملقب کرده بود. بدین سان در آن سالهای سیاهتر از شب، اوین تنها "دانشگاه" باز و فعالی بود که شبانه روز دانشجو می پذیرفت. شاید بهتر باشد گفته شود: دانشجو می گرفت!

دانشگاهی که نه کنکور داشت و نه شرط سنی، و نه حتی میزان تحصیلات خاصی برای ورود لازم داشت. هیچ تبعیض و پارتی بازی هم در کار نبود. ممتازترین دانش آموزان دبیرستانی و حتی مدارس راهنمایی را می گرفت. زبده ترین دانشجویان دیگر دانشگاههای پلمب شده را می ربود. استادان و آموزگاران سرآمد و سرشناس را احضار میکرد. متخصصان، پزشکان، پرستاران، کارمندان و کارگران آگاه را دست چین میکرد... هیچ فرقی

نمیگذاشت، از زن و مرد و پیر و جوان و دختر و پسر را "همه با هم" میگرفت و در یک کلاس و یک رده جا میداد. البته ظرفیت جا و مکانش محدود بود ولی تعداد پذیرشش محدودیتی نداشت.

این دانشگاه منحصر بفرد و البته طراز مکتب خمینی که بیست و چهار ساعته و هفت روز هفته در کار و تلاش برای آموزش و ارشاد و انهدام یک نسل گمراه بود؛ بخش‌ها و شعبات مختلفی هم داشت. اعم از بخش فیزیولوژی ارگان تا تشریح و آناتومی بدن انسان زنده در زیر کابل؛ بخش فیزیک اجسام معلق و آونگ تا کارکرد قرقره و قپان؛ بخش روانکاو و روان درمانی سلولی-بالینی تا شستشوی مغزی و روان گردانی به سبک حاج داوود رحمانی؛ بخش آزمایشگاهی سم شناسی و سیانور و آرسنیک تا دیالیز و پیوند پوست کف پا و کشیدن خون؛ بخش مهندسی تبدیل مادیات به معنویات، و سرموضعی به تواب؛ ... دست آخر هم بخش مربوط به انتقال روزانه دهها یا صدها فارغ التحصیل "مناق" و "محارب" و "ملحد" از این دنیای فانی به سرای باقی...

برخی از استادان خبره و جامع شرایط این "دانشگاه" تباهی عبارت بودند از لاجوردی، کچویی، حاجی رحمانی، حسین شریعتمداری (سردبیر فعلی کیهان)، علی ربیعی (با نام مستعار عماد، مشاور امنیتی خاتمی)، ... و آخوندهای هفت خطی همچون موسوی تبریزی، موسوی اردبیلی، گیلانی، نیری، رئیسی، مبشری، هادی خامنه ای (برادر ولی فقیه)، هادی غفاری (سرچماقدار سابق و اصلاح طلب فعلی)، ناصرین (مغیثه ای)، پورمحمدی (عضو کمیسیون مرگ، وزیر کشور فعلی)... که همگی بالاترین مدارج آدمکشی و جنایت پیشگی را در این مرکز فاشیستی کسب کردند.

البته در این ربع قرن خیلی اتفاقات و تحولات رخ داده و تمام دانشگاهها هم دوباره باز و فعال شده اند. ولی بقول بچه های پلی تکنیک "اوین" هم چنان دانشجو می پذیرد. در واقع اوین همچون خفاشی پیر هنوز از پیکر مجروح و خونین دانشگاهها و دانشجویان آزادیخواه خون میمکد. شاید به همین دلیل است که نسل جدید تصمیم گرفته "رویای نیمه تمام" نسل انقلاب ۵۷ را به انجام برساند؛ ایرانی آزاد و آباد! آرزویی که تا کنون هزاران دانشجوی فداکار و از جمله دهها تن از دانشجویان دلیر و آزاده پلی تکنیک بخاطرش سر به دار شده اند و یا بر خاک افتاده اند...

اهورائیان دلاوری همچون مجاهد خلق "میترا چوپانزاده" (فرزند فدایی شهید خلق "محمد چوپانزاده"، یار و هم‌رمز پیشتاز جنبش فدایی "بیژن جزنی")، دانشجوی مهندسی شیمی پلی تکنیک که در سال ۱۳۶۱ در اوین تیرباران شد. و یا مجاهد خلق "حمید (محمد علی) امامیان" دانشجوی مهندسی الکترونیک پلی تکنیک که در سن ۲۳ سالگی در مرداد ۱۳۶۰ به تیرک اعدام سپرده شد. و ...

امروز دانشجویان مبارز و آزادیخواه پلی تکنیک دست در دست دیگر دانشجویان دلیر دانشگاههای سراسر کشور و در کنار معلمان آگاه و کارگران بیدار و زنان شجاع و جوانان بی باک ایران زمین همچنان به پیش میروند. دیر نیست روزیکه اوین نه "دانشگاه محمد" که موزه "جنایت علیه بشریت" گردد. پس به امید آن روز، همراه با بچه های "نسل سوم" زمزمه میکنیم:

تو فضای شهر تاریک، وقت شورش میشه نزدیک، باز دوباره گُر میگیره، رزمگاه پلی تکنیک
همه شون مثل ستارن، همه شون ستاره دارن، این مدال سرخ فخره، که رو سینه شون میذارن

مینا انتظاری

mina.entezari@yahoo.com

* همسر میترا، مجاهد خلق "مسعود متحدین" نیز در سال ۶۳ تیرباران شد.